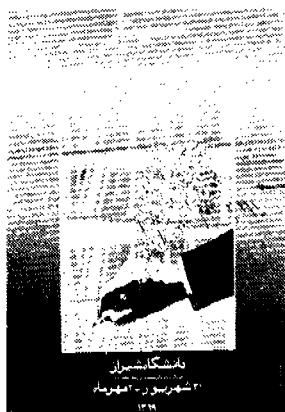


سپینار بررسی و نقد ادبیات معاصر ایران

۲۲۸

از ۳۱ شهریور تا دوم مهرماه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس اقدام به برگزاری سمیناری دربارهٔ (بررسی و نقد ادبیات معاصر ایران) کرد. این سمینار در دانشگاه شیراز برگزار شد. گوشش و اهتمام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در امر برگزاری سمینارهایی از این دست، در خور قدردانی است. امیدواریم گاستیها و نواقص اجرا و برگزاری این گونه سمینارها برطرف شود و شاهد بریایی دومین سمینار با ابعاد وسیعتر باشیم. آنچه می خوانید بخشهایی است از یادداشت‌های آقای سیروس رومی که از سر درد و علاقمندی نوشته‌اند.



دانشگاه شیراز
شهریور - مهرماه
۱۳۶۸

سمینار نقد و بررسی ادبیات معاصر

هر پدیده در میسر خود به جهت طی درست و تکاملی راهش نیازمند بررسیهای مداوم است تا ارزشها و ضد ارزشهای آن پدیده توسط آگاهان و خبرگان تبیین شود و به اطلاع عموم برسد تا مردم بتوانند با بهره‌گیری از اطلاعات بدست آمده به انتخابی شایسته دست یازند. ادبیات نیز از این قانونمندی جدا نیست و لزوم پیگیری هر ساله آن می‌تواند داشته‌های ما را از جهت کمی و کیفی نمایان کند و به‌گسترده‌گی انواع آن بینجامد.

شاید، بر این باور در اول مهرماه امسال سمیناری با نام "سمینار بررسی و نقد ادبیات معاصر ایران" با همکاری دانشگاه شیراز و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس برگزار گردید، که جای تشکر دارد. اما آیا سمینار با نام "بررسی و نقد" آنهم "ادبیات معاصر" کشور گسترده‌ای چون میهن ما، سه‌روزه راه به‌جایی خواهد برد؟ جواب منفی خواهد بود. چرا که سخنرانان خود به‌این مسئله جواب دادند. همه بدون استثناء

نتوانستند بیشتر از یک سوم مقالات خود را بخوانند، پس با دو مسئله روبرو خواهیم بود. اول عدم برنامه‌ریزی براساس نیازهای ادبیات و جامعه. دوم اینکه بگوئیم به ادبیات معاصر هم توجه داریم، که کلمه "معاصر" در یک مرزبندی زمانی نمی‌گنجد. اگر جز این بود یا هست آیا این سمینار به‌فقر ادبیات معاصر ما شاهدهی نخواهد بود؟ در حالی که شما می‌دانید که ادبیات معاصر ما در حال شکوفاشدن است نه ادبیاتمان که هنرمان. به‌این اعتقاد داریم که سمینار کاملاً "نتوانست به‌اهداف خود برسد."

آقایان رضا سیدحسینی، قدمعلی سرامی، صالح حسینی، عباسعلی رضایی و سلیمانی از کسانی بودند که کاش هر روز یکی از آنان صحبت می‌کرد تا سمینار به‌اهداف خود می‌رسید. سؤال اینجاست، آیا این مملکت، مملکتی که بر گنجینه‌های ادبیات تکیه زده است همین ۲۵ نفر را دارد؟

در این میان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس خوب کار کرد. از حق نباید گذشت. اگر مساعی و کوششهای این اداره نبود باید فاتحه سمینار را از همان ابتدا خواند.

اینها را که نوشتم از روی دلسوزی است. حالا که انتقاد کردم راه را هم نشان می‌دهم. پیشنهاداتی دارم. بخوانید:

این سمینار با نام نواقص به‌عنوان شروع یک حرکت یا حرکتی زیر بنایی ارزشمند است. همانگونه که گفتم این سمینارها نیاز ادبیات ماست لازم است آن را تداوم بخشند و شهری را هم به‌عنوان مرکز سمینار انتخاب کنند و امکاناتی نیز به‌آن بدهند تا از این امکانات و تجربه‌های گذشته در هر چه بهتر برگزارکردن آن بهره‌برداری شود.

سمینار را هر سال روی موضوع خاصی متمرکز کنند، مانند، ادبیات کودکان، داستان قصه، نمایشنامه، فیلمنامه، ادبیات و روانشناسی، نقش ادبیات در جامعه، شعر و... به‌این ترتیب که مدت سه‌روزه آن به‌پنج روز افزایش یابد و از تعداد سخنرانان تا ده نفر کاسته شود و تنها روزی دوتنفر سخنرانی کنند تا بتوانند تمام مطلب خود را ارائه داده و سئوالهای علاقمندان را پاسخ گویند.

سخنرانان باید از زنده‌ترین و باتجربه‌ترین‌ها انتخاب شوند و موضوعات انتخابی از طرف سمینار یا سخنران قبلاً در جایی چاپ نشده باشد و یا آن را به‌صورت کتاب عرضه نکرده باشند.

هرسال از یک ادیب معاصر و زنده یاد شود و از او قدردانی به‌عمل آید.

چنانچه زمان سه‌تری برای سمینار در نظر گرفته شود بهتر است تا حداقل دوبران ادبیات سپهر برگزارکننده امکان استفاده از سمینار را داشته باشند.

ساعات را فراموش نکند و امکاناتی برای دانشجویان رشته ادبیات دانشگاهها به‌وجود آورند.

کلام آخر

سمینار در همین حد هم توانست موثر باشد. جنب و جوشی هر چند اندک، به‌وجود آورد. باب بحث و گفتگوهای را بکشاید. شما و ادبیات معاصر ما این توان و استعداد را دارید که از این بهتر تاثیر بگذارید، جنب و جوش بیشتری به‌وجود آورید

و گشاینده بحث‌های ادبی بیشماری باشید. این اولین گامتان بود. حتماً در گامهای بعدی موفق‌تر خواهید بود. البته اگر گامی و قدمی دیگر وجود داشته باشد.

سخنرانیها و سخنرانیها

روز اول

احمد آرام به‌سمینار نرسید. رضا رهگذر شروع کرد. موضوع سخنرانی او "ادبیات جنگ" بود. او طی نیم‌ساعت ده‌سال ادبیات جنگ را بررسی کرد و به‌تقسیم‌بندی‌هایی پرداخت. مانند، نویسندگانی که جبهه را درک کرده‌اند و در خط مقدم با تمام وجود حاضر بوده‌اند. نویسندگانی که به‌صورت توریست از خطوط سوم یا چهارم بازدید کرده‌اند و کسانی که از پشت جبهه نوشته‌اند. او از اولین کوششها و تداوم آن گفت و از نویسندگانی چون احمد محمود، محسن مخملباف، سیدمهدی شجاعی، داریوش عابدی، قاسم‌علی فراست، فریدون عموزاده‌خلیلی، اکبرخلیلی و خیلی‌های دیگر.

دومین سخنران محسن سلیمانی موضوع صحبت خود را "چرا نویسنده حرفه‌ای نداریم؟" قرار داده بود. موضوعی جالب و قابل بررسی از تمام جوانب. او گفت: "وقتی که داستان‌نویسی شفلی است تمام وقت و نویسنده ایرانی برای امرار معاش مجبور به‌صرف نیروی عمده خود در کار دیگری عمدتاً "نامربوط به‌قلم است منزلت فعلی ادبیات ما در درجه فعلی معجزه می‌نماید." "سلیمانی" اعتقاد دارد که چند عامل - کم‌سوادی مردم، مطالعه کم و عدم علاقه حکومتها به‌برخی از کتابها و کم‌کاری نویسندگان و عدم سعی در ایجاد یک شکل ادبی باعث ایجاد فضای کنونی ادبیات ماست.

سومین سخنران دکتر مهرنورمحمدخان از کشور پاکستان بود. او در مورد کاربرد ادبیات معاصر در شبه‌قاره هند سخن گفت و اینکه ادبیات معاصر ایران هیچ نمودی در هند و پاکستان ندارد و به‌آن توجه نمی‌شود. دکتر نورمحمدخان پیشنهاداتی برای گسترش زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند مطرح کرد.

دکتر یعقوب آژند هم به‌سمینار نرسید و بعد از ظهر روز اول را "مرتضی‌سرهنگی" شروع کرد و ادبیات مقاومت را در طی هشت سال دفاع مقدس به‌بررسی نشست و با رجعتی به‌نقطه شروع مقاومت در عاشورا و بیشتر به‌آثار چاپ‌شده در این زمینه از طرف "دفتر ادبیات و هنر مقاومت" حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی پرداخت و کارهای آئینده این سازمان.

آخرین سخنران روز اول نادرابراهیمی بود. با تنگی نفس، مثل کسانی که دویده‌اند آغاز کرد و سعی داشت سخنانش از چاشنی طنز برخوردار باشد. او از قدمت ادبیات گفت و اینکه ادبیات ما پنجهزارساله است و از تاریخ گفت و از دیوان. از اسطوره و افسانه. از آریائیهها و زرتشت و تقسیم‌بندی ادبیات دیوان و چهارنوع قصه با این تقسیم‌بندی. قبل از آریائیهها، بعد از هجوم آریائیهها، بعد از استحکام قدرت زرتشت و بالاخره دیوان با زمان. او می‌خواست که به‌بررسی چند حکایت از اوستا و مرزبان‌نامه و جوامع‌الحکایات بپردازد که وقت نشد.

مصطفی رحماندوست اولین سخنران روز دوم بود. او به موقعیت شعر کودکان در ادبیات معاصر پرداخت و گفت: "من این مهم را در کتاب "ادبیات کودکان" مراکز تربیت معلم مطرح کرده‌ام و ما را حواله به آن کتاب دادند و اشاره کرد که به مطالعه کودکان خود اهمیت نمی‌دهند" و اشاره مستقیم داشت به روشنفکران که متوجه نیازهای معنوی و مطالعاتی فرزندانشان نیستند.

رضاسید حسینی "رساله لنگینوس" و کاربرد معانی آن در بیان رمان امروز را مطرح کرد. رساله لنگینوس، رساله‌ای است در فن بلاغت مربوط به قرن اول میلادی با نمونه‌هایی از "هومر" و "دموستن". او عقیده دارد "جلال‌آل احمد" "دکتر علی شریعتی" و "ابراهیم گلستان" دارای سبک هستند، لیکن سبکی خودانگیزه.

سومین سخنران حسن عابدینی بود که دو جلد کتاب خوب و پربار او یعنی "صدسال داستان‌نویسی" را قبلاً خوانده‌ایم و گزارشی داد از داستان‌نویسی معاصر ایران. این را بگویم که باور نمی‌کردیم نویسنده کتابهای مذکور این حد جوان باشد. وجود او و کتابش ما را به ادبیات کشورمان امیدوار کرد.

مهدی حجوانی در آخرین سخنرانی صبح روز دوم از ضعفهای فلسفی نویسندگان معتقد به اسلام گفت و گره‌زدن بیش از حد اعتقادات و باورهای مذهبی به فراز و نشیبهای اجتماعی و حکومتی.

بعد از ظهر را دکتر ابوالقاسم رادفر شروع کرد. او سریع به ترجمه‌ها و چاپهای کتب ایرانی در خارج از ایران پرداخت.

هدایت بهبودی در دومین سخنرانی بعد از ظهر از ادبیات و مقاومت گفت و به تاریخ پرداخت. تاریخی نه چندان دور. جنگهای ایران و روس را مطرح کرد و ادبیاتی که در خلال این جنگها به وجود آمد.

قاسمعلی فراست به عنوان آخرین سخنران حرفهای محسن سلیمانی را به صورت دیگری مطرح کرد. تشکل هنرمندان "برای جلوگیری از هز رفتن نیروی هنرمندان دور از خط بازی، گروه‌گرایی و سلیقه‌گرایی که این عوامل ادبیات ما را از پای درمی‌آورد.

روز سوم

دکتر صالح حسینی روز سوم را آغاز کرد. او از سمبولیسم گفت و جریان سیال ذهن و تفاوت رمان و رمانس که عمدتاً "به نوع نگریستن به واقعیتها ناشی می‌شود. او اعتقاد دارد در واقع رمانهای ایرانی، رمانس هستند که به درون و حقیقت انسان می‌پردازند. صالح حسینی در پایان به سبکهای رئالیسم و ناتورالیسم در رمانها پرداخت.

دومین سخنران روز آخر علی موسوی گرمارودی بود. او در مورد شعر گفت و نگاهی داشت به منظومه‌های روایی نمادین و تمثیلی و به یک تقسیم‌بندی پرداخت در مورد این نوع منظومه‌ها او اعتقاد دارد که منظومه‌های روایی نمادین حرکت شاعر از سطح به عمق است و در منظومه‌های تمثیلی به عکس.

شمس‌آل احمد سومین سخنران بود. قرار بود شمس "قصه‌نویسی در ایران و تحلیل

ادبیات داستانی " را داشته باشد با تعریف هنر، ادب و قصه و تحلیل چند رمان . که سخنرانی وی دربارهٔ مسایل جاری فرهنگی بود و دیدی انتقادی داشت بر کمبود فضای آموزشی و یادآوری خاطرات مسافرت خود به آمریکا لاتین .

آخرین سخنران صبح روز آخر حمیدمطفری بود . او به جای فولادوند که نیامد سخنرانی کرد و متن سخنرانی خود "گروتسک" را که سخت و تازه بود در یک شب تهیه دید و نتیجه اش چندان دلچسب نبود خصوصا " که سخنران از ویژگیهای سخنرانان حرفه‌ای برخوردار نبود . ساده و صمیمی حرف زد و بهر جهت "گروتسک" را مطرح کرد .

بعد از ظهر را دکتر عباسعلی رضایی با سخنرانی جالب و عمیق خود شروع کرد . او نیز مانند چند تن دیگر به ادبیات مقاومت با دیدی دیگر و برداشتی گسترده‌تر پرداخت . او اعتقاد دارد ادبیات فی‌نفسه خود نوعی عنصر مقاومت است که امکان زندگی بهتری را به ما می‌دهد .

سخنران سپس به نویسندگان و خودکامگان پرداخت و از چهره ممتاز ادبیات مقاومت یعنی "جلال‌آل احمد" سخن گفت .

احمدعزیزی نیازهای ادبیات معاصر را موضوع سخنرانی خود داشت . او شطحیاتی خواند .

آخرین سخنران سمینار که حسن ختامی نیز می‌توانست باشد "دکتر قدمعلی سرامی" بود که درباره "رسالت ادبیات و مسئولیت آن" سخن گفت . او به جایگاه ادبیات در خانواده فرهنگ بشری پرداخت و ستمهایی را که بر این نوع هنری رفته است را منعکس کرد . او نگاهی به آینده انداخت و تنوع شکل و قالبها را بررسی کرد و رسالت محتوا و حیثیت معنایی ادبیات را برشمرد .

در متن و حاشیه سمینار *دانشگاه علامه انسانی و مطالعات فرهنگی* نادرکجوری مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس با دویبت از حافظ سمینار را افتتاح کرد و نشان داد که حافظ از هر معاصری در ادبیات ما معاصرتر است . ارکستر مجلسی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس قطعه زیبایی را با شعر حافظ که برای سمینار ساخته شده بود با اجرایی خوب تقدیم ادب دوستان کرد . تاخیر هواپیما که این روزها عادی شده و تا چند ساعت هم می‌رسد مزید بر علت شد و احمدآرام به سمینار نرسید که جایش را رضاهرگدزر گرفت .

*

فردرو محری سمینار با حجب و حیای بیش از حد برخی وقتها نمی‌توانست پایان سخنرانیها را گوشزد کند و نگاه او بود که سخنران را متوجه پایان سخنرانی می‌کرد . تمام سخنرانان از مدت کم سخنرانی خود گله داشتند و هرکدام به نوعی با چراغ قرمزی که روشن شدنش علامت پایان سخنرانی بود برخوردی جدی و طنزگونه داشتند .

*

دانشگاه شیراز که یک طرف قضیه بود ، فعالیتی نداشت . نه از تاک نشان بود و نه

از تاک نشان نه اساتید بودند و نه دانشجویان. آن عده معدود هم که آمده بودند به کوشش داریوش نویدگویی صاحب انتشاراتی نوید شیراز بود.

*

جلسات سؤال و جواب از سخنرانها بیشتر به دل می‌چسبید و بهتر از آن جلسات کوچک چند نفره خارج از سالن بود که یکی دومرتبه از جانب برگزارکنندگان مورد اعتراض قرار گرفت.

*

جای خیلی‌ها در این سمینار خالی بود. مثل سیمین دانشور، هوشنگ گلشیری، محمود دولت‌آبادی، عبدالعلی دستغیب و خیلی‌های دیگر، خصوصا "دکتر سیمین دانشور که شیرازی است و شکی بر اطلاعات و آگاهیهای او در ادبیات معاصر نداریم. او می‌توانست میزبان بحق ادبیات معاصر کشورمان باشد.

*

جای خالی "علی‌دهباشی" را حداقل من زیاد حس می‌کردم. چرا که "دهباشی" با ادبیات معاصر، پیوندی ناگسستنی دارد که "کلک" و "کتاب به‌نگار" این را ثابت می‌کند.

*

"اکبررادی" نماینده نویسنده مشهور کشورمان در جلسات حضوری دائمی داشت. اما از هر گفت و شنودی پرهیز کرد. تنها در یک جلسه با چهره‌های تئاتر شرکت کرد. حال و احوالی همین و بس.

*

رضاهمراه مترجم آثار "عزیزنسن" از همدان آمده بود. همراه اصرار داشت با نمک باشد و مردم را دست‌بیندازد که افراط و زیاده‌روی دلچسب نبود. دنبال دستگاه چایی می‌گشت اما هر روز صبح و عصر در جلسات حضور داشت.

*

عده‌ای که خود سخنران بودند در چند سخنرانی بهتر دیدند خارج از سالن باشند.

*

روزنامه خیر جنوب شیراز که به‌صورت روزانه چاپ و توزیع می‌شود سنگ تمام گذاشت و هر روز با یاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یک ویژه‌نامه سمینار ضمیمه روزنامه در قطعی کوچک چاپ و تعداد قابل توجهی روزنامه را به رایگان در بین شرکت‌کنندگان توزیع می‌کرد. و هر روز با چهارنفر خبرنگار و عکاس در جلسات حضور داشت.

*

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، خصوصا "مدیرکل آن اداره سعی و کوشش فراوانی به‌کار برده بودند که سمینار از نظر اجرایی در کیفیتی بالا قرار گیرد که چنین بود که دیدیم بر و بچه‌های علاقمند این اداره همه‌جا حضور داشتند.